

سپهرغرب، گروه شهر: شیخ بهایی از علمای به‌نام دوره صفوی و خالق آثار ماندگاری چون گنبد و گلدسته حرم رضوی است. منارجنبان گنبد مسجد شاه در اصفهان و چینی‌خانه بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، از دیگر آثار آن فقیه و عالم فرزانه است. ازاین‌رو در یادداشت ذیل به الزامات ارزشی در معماری خواهیم پرداخت.

معماری عرصه بروز روحیه‌ها،حالت‌ها،آرمان‌های انسان‌ها و نیز عرصه تلاقی فرهنگ، دین، هنر و فن بوده و به بیانی ساده معماری؛ تبلور فرهنگ و اندیشه انسان و تجلی عینی ارزش‌های هر ملت است. روح هر ملت در ارزش‌های دینی آن نمایان بوده و ارزش‌های دینی، عمیق‌ترین و لطیف‌ترین بخش فرهنگ به‌شمار می‌آید.

معماری معاصر ما دیگر به هیچ‌وجه نمایانگر و انعکاس‌دهنده هویت ساکنان آن‌ها نیست. هم-چنین به‌ندرت می‌توان در آن تلاشی آگاهانه در جهت هویت اسلامی و ملیمان دید. بسیاری از نشان‌ها و نمادهای هویت فرهنگی ما، به کلی از بین رفته‌اند یا تنها کورسویی از آن‌ها بر پیشانی شهرهایمان می‌نویسیم ببینیم. فضاهای شهری ما که در گذشته عرصه تجلی دین، فرهنگ و تاریخ ملت ما بود، اینک شاهد نوعی عدول از ارزش‌های غنی فرهنگی و دینی این سرزمین است. درنتیجه شاهد پیدایش بحران هویتی در سیمای شهرها و ساختمان‌های معاصر و گسستی تاریخی مابین روزگار معاصر و دست‌آوردهای پیشینیان مسلما-نمان در عرصه معماری و هنر هستیم. این امر خود به‌تنهایی تولد فضاهایی نامأنوس را در شهرهای معاصر ما رقم زده است.

معماری عرصه بروز روحیه، حالت‌ها، آرمان‌ها و اعتقادهای انسان‌ها و نیز عرصه تلاقی فرهنگ، دین، هنر و فن است و به بیانی ساده معماری تبلور فرهنگ و اندیشه انسان و تجلی عینی ارزش‌ها و باورهای هر قوم و ملت است. روح هر ملت در ارزش‌های دینی آن نمایان است و ارزش‌های دینی، عمیق‌ترین و لطیف‌ترین بخش فرهنگ به‌شمار می‌آید. معماری اسلامی نیز همواره آیین‌های بوده است که آموزه‌های اصیل، معنوی و الهی حکمت اسلامی را در خود منعکس کرده و معماران و هنرمندان مسلمان با تمام توان در جهت خدمت به هویت اسلامی خویش تلاش کردند و با تاسی از دین مبین اسلام، روزگاری فرهنگمند را با شهرها و ابنیه‌های چشمگیر، برپا کردند که تناسبی تمام با دین و فرهنگ اسلامی را داشت.

معماران اسلامی ایرانی نیز تا بدان‌جا پیش رفتند که نتوانستند مکتبی هم‌چون اصفهان را پایه‌ریزی کنند که تلاقی حکمت، معنویت و خرد ایرانی با مفاهیم پایدار اسلامی است. مکتبی که در نتیجه آن باورها و اندیشه‌های اسلامی و بخصوص تجلی به باشکوه‌ترین شکل ممکن در عرصه معماری شهری پیدا کرد. اما امروزه معماری کشور به‌جای بی‌بازی از پیروی‌ها ناآگاهانه و سطحی از معماری سایر ملل، به دور باطلی از گسترش فرهنگ‌های بیگانه در سیما و منظر شهری و ناهمگونی روزافزون معماری و شهرسازی دچار شده است. دست‌مایه قرن‌ها تجربه و تلاش پیشینیان این مرزوبوم در عرصه معماری و شهرسازی به‌دست فراموشی سپرده شده است. معماری معاصر ما دیگر به هیچ‌وجه نمایان-گر و انعکاس‌دهنده هویت ساکنان آن‌ها نیست. همچنین به‌ندرت میتوان در آن تلاشی آگاهانه در جهت القای هویت اسلامی و ملیمان دید. بسیاری از نشان‌ها و نمادهای هویت فرهنگی ما، یا به کلی از بین رفته‌اند یا تنها کورسویی از آن‌ها را بر پیشانی شهرهایمان می‌نویسیم ببینیم. فضاهای شهری ما که در گذشته عرصه تجلی دین، فرهنگ و تاریخ ملت ما بود، اینک شاهد نوعی عدول از ارزش‌های غنی فرهنگی و دینی این سرزمین است. در نتیجه شاهد پیدایش بحران هویتی در سیمای شهرها و ساختمان‌های معاصر و گسستی تاریخی مابین روزگار معاصر و دست‌آوردهای پیشینیان مسلمانان در عرصه معماری و هنر هستیم.

این امر خود به‌تنهایی تولد فضاهایی نامأنوس را در شهرهای معاصر ما رقم زده است. این امر تا حد زیادی ریشه در عدم شناخت و توجه به بن‌مایه‌های فرهنگی شهرسازی و معماری اسلامی نبود منابع و اطلاعات کافی در این زمینه دارد. فراموشی حکمت، فلسفه و ارزش‌های معاصر در معماری گذشته سرزمین‌مان تا به آنجا جلوه رفته که دیگر زبان طراحی این بناها برای ما غیرقابل فهم شده است و معماران و برنامه‌ریزان ما در عرصه معماری و شهر-سازی، از شکوه، جلال و خردمندی معماری اسلامی شهرها، ما را بی‌نصیب گذاشته‌اند.

معماری معاصر

زمینه‌های تاریخی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی ازجمله عواملی هستند که در شکل‌گیری آثار معماری بسیار مؤثر هستند. معماری معاصر ایران در بستری شکل گرفته که از جریان‌های مدرنیته، صنعتی شدن و جهانی شدن به‌طور مداوم تأثیر پذیرفته و فن‌آوری، شیوه زندگی مردم و به‌دنبال آن کالبد و محیط‌زیست وی را تغییر داده است. (ابراهیمی ۱۳۸۹: ۴)

تنوع‌گرایی، کثرت‌گرایی، التقاط و تعدد دیدگاه‌ها اصلی‌ترین شاخص‌های معماری معاصر در دهه‌های اخیر شده و گرایش به سمت دیدگاه جهانی‌گرا موجب گردیده که این معماری از گذشته و تاریخ خود جدا شده و بدون آگاهی‌های نظری و شناخت دقیق مفاهیم فکری گرایش‌های جهانی، روی به تقلیدی کورکورانه و سطحی از معماری غربی آورد. در این نگرش الزامی در توجه به دانشته‌های گذشته نده نمی‌شود و هم‌سویی با معماری روز جهانی، فردگرایی و خودمحوری ملاک قرار می‌گیرد. (محمودی۱۳۸۷: ۹)

به‌نحوی که رشد کُتی و کاهش کیفیت، جامعه را به سمت ساختمان‌سازی(بساویفرشی) که نوعی سرمایه‌گذاری تضمین شده است، سوق داده و آنچه که مورد بی‌توجهی واقع‌شده، معماری به مفهوم واقعی کلمه است. (ابراهیمی۱۳۸۹: ۴)

تقلید از معماری مدرن غربی به گسترش مهندسینی و تسلط روزافزون ماشین بر زندگی مردم منجر شده، هم‌چنین بسیاری از هنجارهای مناسب زندگی را تحت‌تأثیر قرار داده و بی‌هنجاری و ناهنجاری را جایگزین آن کرده است. (ابراهیمی۱۳۸۹: ۱۲)

آنچه تولید می‌شود ساختمان‌سازی است نه معماری، رشد شهری است نه شهرسازی. مراد از معماری و شهرسازی، خلق آگاهانه و اندیشمندانه فضا برای زندگی فرد و جامعه است.

(حبیبی۱۳۸۵:۹۷)

ناتوانی در ایجاد سبک معماری که از یک‌سو در راستای معماری روز بوده و پاسخگوی نیازهای

متغیر استفاده‌کنندگان باشد و از دیو سگر ارتباط و تداوم خود را با معماری تاریخی کشور حفظ کند و حتی بتواند در صحنه جهانی نیز حرفی برای گفتن داشته باشد، همواره سبب دل‌مشغولی بسیاری از دانشمندان و متفکران این دوره شده است.

معماری اسلامی تنها راه نجات

برای درک بهتر ضرورت مسئله و راهکارهایی پیش‌رو، سخنان رهبر معظم انقلاب امام خاتمه‌ای را که همواره راهگشای همه افشار بوده و افق‌های جدیدی را حتی برای خیرگان آن قشر باز کرده است، موردتوجه قرار می‌دهیم. سخانی که همیشه بوی امید، تعهد و حرکت روبه‌جلو در آن‌ها موج می‌زند. در اینجا به بررسی بیانات ایشان خطاب به قشر معمار پرداخته‌ایم، قشری که به اعتراف و ادعای همگان با کمی همت و تلاش می‌توانند مسیر حرکت یک ملت را به‌سوی تعالی معماری و شهرسازی و پیشرفت همه‌جانبه در این زمینه سرعت بخشد یا خدای‌نارده دچار خلل کنند.

دید مهم‌جانبه حضرت‌آیت‌الله‌امام‌خاتمه‌ای به‌مقوله معماری، همراه با ژرف‌نگری و بررسی اهداف و رسالت‌های معمار، تصویری کامل از توقع‌های یک نظام اسلامی از هنرمندان معماران را به نمایش گذاشته است. توقع‌هایی که متأسفانه تاکنون پاسخ شایسته‌ای از هنرمندان دیروز و امروز به آن داده نشده است.

ما اصرار داریم که معماری‌ها، مضمون داشته باشند. چون معماری، محسوس‌ترین نماز زندگی است. اگر شما به زندگی اجتماعی نگاه کنید، بیش از آثار معماری، چه‌چیز چشم‌تان را می‌گیرد؟ هرجا راه می‌روید، در و دیوار است، سقف است، کوچه و بازار است. معماری، این‌قدر گسترده‌اش وسیع و گسترشش زیاد است. بنابراین اگر معماری مضمون داشت، همه فضای مسادی زندگی دارای مضمون می‌شد و معنویت پیدا می‌کرد. اگر مضمون

نداشت، چیز پوچ و بی‌بهدای می‌شد. مثل خیلی از معماری‌هایی که متأسفانه تا امروز هم ادامه دارد! ساخته‌اند، اما پوچ! آهن، سیمان، آجر و مصالح دیگر را روی هم گذاشته‌اند که هیچ معنایی ندارد و هیچ مضمونی را به ذهن انسان منتقل نمی‌کند یا احيانا وجه دیگرش، تقلید محض است.

آنچه را که من تأکید می‌کنم، معماری و شهرسازی قم است. امروز کارهای بزرگی در قم دارد انجام می‌گیرد، ساخت‌وسازهایی انجام می‌گیرد، حتماً در این معماری‌ها باید ملاحظه کنند که معماری اسلامی باشد، نمادهای اسلامی انقلاب را در معماری‌ها مشاهده شود، چون اینجا شهر اسلام و شهر انقلاب است.

همان‌طور که از سخنان حضرت آیت‌الله امام‌خاتمه‌ای برمی‌آید، معماری باید دارای مضمون باشد و نمادهای اسلامی و انقلابی را در خود به‌همراه داشته باشد و معماری اسلامی باشد. اصولی که اگر بحق در معماری و شهرسازی ما به‌کار بسته می‌شد، تحولی شگرف را به‌وجود می‌آورد و در کنار برآوردن نیازهای مادی و معنوی ایرانیان در زمینه معماری و شهرسازی، قابلیت صادر شدن و فراگیر شدن را حداقل در جهان اسلام دارا بود. حال زمان آن رسیده است که به‌هنگام برنامه‌ریزی‌های شهری و ایجاد طرح‌های شهری به ارزش‌های انسانی و نیازهای روحی و جسمی توجه شود و معتقد به تأمین هر دوی این احتیاج‌ها باشیم و به‌جای افزایش آسمان‌خراش‌ها، به فکر ساختن شهرهای سالم، باشناط و دارای روابط منطقی و طبیعی باشیم. از اهداف شهرسازی انسانی نیز همین موارد است، تنها متناسب و مطلوب بودن شرایط محل سکونت کافی نیست، بلکه باید اجزا و عوامل تشکیل‌دهنده محیط شهری و معماری با هم هماهنگ باشند.

(فنی،۱۳۴۰:۱۲۴)



ناتوانی در ایجاد سبک معماری که از یک‌سو در راستای معماری روز بوده و پاسخگوی نیازهای

متغیر استفاده‌کنندگان باشد و از دیگر سبک ارتباط و تداوم خود را با معماری تاریخی کشور حفظ کند و حتی بتواند در صحنه جهانی نیز حرفی برای گفتن داشته باشد، همواره سبب دل‌مشغولی بسیاری از دانشمندان و متفکران این دوره شده است.

(حبیبی۱۳۸۹: ۳۰)

معماری معاصر ایران برای بازیافتن جایگاه ویژه خود راه دشواری پیش‌رو دارد، زیرا با جامعه‌ای در حال تحول روبه‌روست که جریان‌های صنعتی شدن، جهانی شدن و شبکه‌ای شدن را تجربه می‌کند. هنر و معماری در چنین موقعیتی نقش مؤثری در باز تعریف هویت خواهند داشت. بدون تردید معماری تنها به‌لحاظ ساختاری و حتی عملکردی حائز اهمیت نبوده، بلکه نقش معماری در تداعی معانی و انتقال مفاهیم نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. (رضازاده۱۳۸۳: ۲۸)

برای رسیدن به چنین معماری، احتیاج به یک بسیج همگانی و برنامه‌ریزی دقیق در سطح کلان وجود دارد و تعدادی از وزارت‌خانه‌ها، سازمان‌ها، نهادهای باید در این امر دخیل کرد. در یکی از گام‌های اولیه، نظام دانشگاهی به‌عنوان مسئول پرورش دانشجویان معماری باید موردتوجه و بازنگری قرار گیرد، زیرا دانشگاه مهم‌ترین و اساسی‌ترین مکانی است که قادر به ایجاد روحیه خلاقیت، ابتکار، خودباوری و اعتمادبنفس در نسل‌های جوان است. (میرزاحمدی۱۳۸۶: ۵۰)

دانشگاه‌ها از یک‌سو حافظ و انتقال‌دهنده میراث فرهنگی و ارزش‌های حاکم بر جامعه بوده و ازسوی دیگر پاسخ‌گوی نیازهای اجتماعی برای کسب، گسترش و توسعه دانش و فن‌آوری هستند(میرزاحمدیوهمکاران۱۳۴۱: ۴)

رسالتهای دانشگاه را به سه سطح آموزشی، پژوهشی، ارائه خدمات تخصصی تعریف می‌شود. (بازرگان، ۱۳۷۶: ۱۵۵)

با توجه به پیشینه فرهنگی، دینی، تاریخی و اهمیت فراوانی که آموزش و پژوهش در تفکر اسلامی دارد، حاکمیت علم و تعهد نیاز به فضای مناسب فرهنگی و اخلاقی دارد.(کاشانی۱۳۸۴: ۱۳)

این فضای مناسب جایی جز دانشگاه نیست، مکانی آموزشی و پژوهشی است که در آن سازندگان فردای جامعه به کسب مهارت می‌پردازند. نحوه آموزش و پژوهش، وضعیت محیط آموزشی و آنچه که در این مراکز به دانشجویان عرضه می‌شود، به‌طور قطع نحوه عملکرد آنان را در آینده رقم خواهد زد. اگر این روند با ضابطه صحیح و به‌طور مثبت و همگام با آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی کشورمان دنبال شود، فارغ‌التحصیلان آن در کنار تخصص کسب‌شده، می‌توانند با نیروی ایمان و گردگشای مشکلات کشور باشند و برنامه‌ای جامع و دقیق را برای توسعه ایران اسلامی با محور قرار دادن دین مبین اسلام و آخرین دست‌آوردهای علمی و

تکنولوژیک طراحی کنند.(خاکبان۱۳۷۷: ۴۳)

زمانی دانشگاه‌ها می‌توانند در ایجاد معماری اسلامی نقش داشته باشند که ارکان اصلی هر دانشگاه: آموزش‌دهنده(استاد)، آموزش‌گیرنده(دانشجو) و متناسب با نیازها و ارزش‌های فرهنگی جامعه شکل گرفته باشند. علاوهبر این‌ها عوامل دیگری نیز وجود دارد، ازجمله هدف آموزش و برنامه آموزشی، فضای آموزشی و بخش اداری، فعالیت‌های فوق‌برنامه، عوامل پرورشی و رفاهی.(فرهادی۱۳۷۷: ۵۰)

اصلاح برنامه‌های آموزشی و تغییر و تحول در محتوای آموزش و تطابق آن با نیازها، ماهیت فرهنگی و اجتماعی جامعه اسلامی‌مان، اصلی‌ترین برنامه‌های است که وزارت علوم و دانشگاه‌ها باید به آن بپردازند و برای فلسفه آموزش اسلامی و جنبه‌های اخلاقی آن در تدوین برنامه‌های تحصیلی، به‌سبب اهمیت نقشی که در چگونگی حرکت و پیشرفت تمدن اسلامی، اهمیتی بسزا قائل شوند.

(روزناتی ۱۳۸۱: ۸۷)

ازجمله اقدام‌هایی که می‌توان در این زمینه انجام داد، رفع کمبود منابع فارسی‌زبان و مدارک مکتوب و مدونی است که در راستای تأمین اهداف برنامه باشد.

در این زمینه کمک‌های وزارت ارشاد اسلامی و وزارت علوم تحقیقات و فن‌آوری در زمینه شناسایی و اساتید برجسته در حوزه معماری اسلامی بسیار و کمک گرفتن از آنان در خصوص برنامه‌ریزی و بخصوص تألیف و ترجمه کتاب بسیار سودمند است. به آن معنا که با درنظر گرفتن تسهیلاتی برای چاپ و انتشار کتاب در زمینه معماری اسلامی و زمینه‌های نظری و تئوریک آن کمبود منابع را باید جبران کرد، منابعی که نیاز و کمبود آن به‌شدت احساس می‌شود و جای خالی آن در قفسه‌های کتاب‌خانه‌ها و کتاب‌فروشی‌ها دیده می‌شود.

یکی دیگر از ارکان اصلی هر دانشگاه همان‌گونه که ذکر شد، اساتید هستند که نقش زیادی در پرورش معماران جوان ایفا می‌کنند. خوشبختانه هم‌اینک در کشور تعداد قابل‌توجهی از اساتید و مهندسان معماری و شهرسازی وجود دارند که ازلحاظ مبانی مهندسی شاخص هستند، اما با این وجود باز هم کمبود مدرسانی که آگاهی و توان کافی جهت تدریس و تفهیم معماری و فرهنگ اسلامی را داشته باشند، وجود دارد و این باعث شده است که دانشجویان به تنها مرجع مطمئن؛ یعنی مجلات و کتاب‌های اروپایی و آمریکایی متوسل شوند. استفاده از منابع هنری و علمی خارجی هرگز مذموم نبوده و بسیار مفید است، ولی مثال کار در این جاست که بدون داشتن یک پیگاه تئوریک و وقوف کامل از چگونگی تحولات و مفاهیم معماری به تقلید سطحی از آن پرداخته می‌شود.(اعتصام۱۳۷۲: ۱۰)

گام دیگر که توسط وزارت علوم، دانشگاه‌ها و اساتید معماری باید برداشته شود بازنگری سرفصل‌های دروس دانشگاهی رشته معماری است که باید تا حد ممکن و با همکاری و مساعدت بزرگان و اساتید معماری، سرفصل‌های آموزشی و واحدهای درسی با هدف کشورمان در پرورش معماران متعهد و همگام و همونا باشند. برای مثال جهت شناخت عمیق‌تر معماری اسلامی توسط دانشجویان در کنار دروسی همانند آشنایی با معماری اسلامی واحدهایی تحت‌عنوان فلسفه هنر اسلامی و حکمت معماری اسلامی موردتوجه بیشت‌تر قرار داده شود که معماران جوان ازلحاظ تفکر با این مقوله‌ها آشنا

به‌عنوان محک، سنجش درستی مسیر و راهبردهای انتخاب‌شده برای معماری معاصر به‌کار گرفته شود. نگاه معنوی، زبان مشترک معماری اسلامی در سرتاسر تاریخ معماری اسلامی بوده و آینده معماری اسلامی را نیز می‌توان با تکیه بر آن دوباره‌سازی کرد. آینده‌ای که در آن چون دوران طلایی مکتب معنوی، پلی از هنر شکل می‌گیرد و در بستر حکمتی متعالی، راه سعادت و افتخار را بر مردمان این سرزمین دوباره می‌گشاید.(مهدوی‌ت‌زاد۱۳۸۲: ۶۵)

برای رسیدن به معماری اسلامی در کنار اقدام‌هایی که در دانشگاه‌ها باید صورت گیرد، سایر مدیران و تصمیم‌گیرندگان نیز در این جهت باید همکاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام دهند. برای مثال در جهت ترویج معماری اسلامی بعضی نهادها و وزارت‌خانه‌ها همانند شهرداری‌ها، وزارت مسکن و ... تا حد ممکن باید به ملزم کردن شرکت‌ها، پیمانکاران و مهندسان معماری به استفاده از مضامین اسلامی- ایرانی بپردازند. به این معنا که در ساخت مدارس، ادارها و سایر نهادهای دولتی تا حد ممکن، باید از الگوهای اسلامی و ملی استفاده شود.

به گزارش تبیان، شهرداری‌ها در طراحی شهری، باید استفاده از نمادهای مذهبی و دینی را موردتوجه قرار داده و سعی کنند با برقراری آشنی میان معماری سنتی و معماری معاصر، اینبه و شهرهایی بسازند که متناسب برای زندگی یک مسلمان ایرانی باشد که هم نیازهای جسمانی او و هم نیازهای روحی وی را برآورده سازد. در این زمینه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری نیز می‌تواند مؤثر واقع شود و نقش مهمی را ایفا کند. دیگر سازمان‌ها همانند صداوسیما و رسانه‌ها نیز در جهت آگاهی دادن و پژوهش در این عرصه باید وارد عمل شده و از تغییر بیش‌تر ذائقه معماری شهروند مسلمان ایرانی جلوگیری کنند و بسترهای فرهنگی لازم را در جهت ترویج فرهنگ، تمدن و معماری اسلامی به‌وجود آورند.

منابع:
بیانات در دیدار از طرح ماکت‌های زائرسرای طلاب مشهد، ۱۳۷۵/۷/۱۹
بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم، ۱۳۸۹/۷/۲۷
فنی، زهره، ۱۳۷۸،۱۴۴. شهر و ارزش‌های انسانی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی صص۱۴۳-۱۵۵.
ابراهیمی، سمیه، ۱۳۸۹، معماری و شهرسازی ایران در دوران گذار، نشریه هویت شهر، سال چهارم، شماره ۶.
بررسی تطبیقی معماری و شهرسازی معاصر ایران با اروپا، مجموعه مقالات نخستین کنفره معماری و شهرسازی ایران، جلد سوم، تهران: انتشارات میراث فرهنگی.
بهداروند، محمد مهدی، ۱۳۸۴، راهکارهای اسلامی شدن دانشگاه‌ها، مجله دانشگاه اسلامی، شماره ۲۷، صص ۵۵-۵۹.

حبیب، فخر، ۱۳۸۹، تحلیلی از معماری معاصر ایران در روایتی با پدیده جهانی شدن، نشریه هویت شهر، سال چهارم، شماره ۶، صص ۳۰-۴۵.
حبیبی، محسن، ۱۳۸۵، شرح جریان‌های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

خاکبان، سلیمان، ۱۳۷۷، رسالت حوزه و دانشگاه در تدوین الگوی توسعه اسلامی، مجله دانشگاه اسلامی، شماره ۷، صص ۴۴-۴۵.

رضازاده، رضایی، ۱۳۸۲، بررسی نقش معماری در تداعی معانی، مقاله مفاهیم، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۸، صص ۳۷-۳۸.

فرهادی، مرتضی، ۱۳۷۷، چهره دانشگاه اسلامی مطلوب، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه، سال اول، شماره چهارم، صص ۵۰-۶۴.

محمودی، محمدرضا، ۱۳۸۷، جهانی شدن و معماری معاصر ایران، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۸۸-۸۹.

مهدوی‌نژاد، محمدجواد، ۱۳۸۳، حکمت معماری اسلامی جست‌وجو در ژرف ساخت‌های معنوی معماری اسلامی ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۹، صص ۶۵-۶۸.

میرزاحمدی، محمدحسن،۱۳۸۶، اهداف دانشگاه اسلامی، دانشگاه اسلامی سال یازدهم صفحه ۵
میرزاحمدی و همکاران،۱۳۸۴، ارزشیابی کیفیت در آموزش عالی، تهران: انتشارات سازمان سنجش آموزش کشور ۴۱
میرزایی، فرشته، ۱۳۸۸، نقش دانشگاه اسلامی در توسعه مدیریت دانش، مجله دانشگاه اسلامی، شماره ۴۱، صص ۱۱۴ تا۱۳۶.

هاشم، روزناتی، ۱۳۸۱، اسلامی کردن برنامه آموزشی و تحصیلی، مجله حوزه و دانشگاه، شماره ۲۲، صص ۸۸- ۱۱۰.



باغ را فرا گرفت. نکته جالب اینکه از زمان احیای این زمین و ایجاد فضای جدید، تعداد بازدیدکنندگان ختم از آن به‌طور چشمگیری افزایش یافت، چراکه امنیت کافی برای حضور آنان فراهم بود.

کردند، تجهیزات جدیدی برای بازی نظیر لاکلنگ، سرسره و تاب به زمین افزوده شد، یک خیابان با طراحی جذاب بچگانه برای کودکان نوپا در نظر گرفته شد و نیمکت‌ها، باغچه‌ها و درختان سرسبز سراسر